

مهمانی خدایم

در لایحه روحیه باطنیه

روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مجموعه آثار روحانیات و باطنیات (۱۳۵۰) و (۱۳۵۱) و (۱۳۵۲) و (۱۳۵۳) و (۱۳۵۴) و (۱۳۵۵)

مهمانی خدایم

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

مهمانی معنوی ماه رمضان

محمد رضا علیزاده

و

سیامک مختاری

«رمضان» از نام‌های خداوند و ماه رمضان تنها ماهی است که در قرآن به تصریح ذکر شده است. ماه‌های رجب، شعبان و رمضان به تعبیر آیت الله آقا سید علی قاضی «فُرْقَاه» خداوند اند. ماه رمضان؛ ماه خداوند است و منسوب به خداوند. در عین حال که تمام هستی اعم از ملک و ملکوت در حیطه تملک خداوند هستند و به تعبیر قرآن: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»؛^۱ ولی این ماه مانند کعبه به خداوند منسوب شده است: «وَ عَهْدَنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهْرًا يَتَّبِعِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».^۲

پیامبر ﷺ در خطبه‌ای که در جمعه آخر ماه شعبان ایراد نموده، می‌فرماید: «إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ» ماه خدا به شما روی آورده تلویحاً اینکه: شما هم به استقبال از ماه خدا بشتابید. رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ» این ماه، ماه مبارکی است، مبارک از «برکه» برگرفته شده که به معنی خیرماندگار است. همان‌گونه که اگر در بیابان جای گودی آب جمع شود به آن جا برکه گفته می‌شود. پیامبر ﷺ می‌فرماید: این ماه، مبارک است و «با برکت و رحمت و مغفرت به جانب شما آمده است» فرصت ارزشمندی است؛ قدرش را بدانیم!

نخواهد ماند این یخ زود بفروشد بیاموز از خدا این کدخدایی
 برون کن خرقة کان زین چار رقعہ ست ترا بی آتشی آبی هوایی^۳

معروف است آیت الله ملکی تبریزی در قنوت نوافل و نماز شب این بیت از حافظ را می‌خواند:

زان پیشتر که عالم فانی شود خراب
 این ماه، ماه رحمت خداوند است.
 ما را ز جام باده گلگون خراب کن^۴
 دست در فتراک این رحمت زنید
 بعد از آن بگشاده شد سختی گذشت
 ای بسا کارا که اول صعب گشت
 بعد نومیدی بسی او میدهاست
 از پس ظلمت بسی خورشیدهاست^۵
 ماه رمضان زمان امید و انتظار همه جانبه از رحمت فراگیر و گسترده صاحب ماه است:

امید تو بیرون برد از دل همه امیدی
 سودای تو خالی کرد از سر همه سودایی
 من دست نخواهم برد الا به سر زلفت
 گردسترسی باشد یک روز به یغمایی
 گویند تمنایی از دوست بکن سعدی
 جز دوست نخواهم کرد از دوست تمنایی^۶
 خداوند در این ماه بندگان را به مهمانی دعوت نموده است. «خوان کرم گسترده و بندگان را مهمان خود کرده» «هُوَ شَهْرٌ دُعِيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضَيْافَةِ اللَّهِ». هر چند همواره همه جا «بر سر هر سفره بنشستم خدا رزاق بود».

دلا در روزه مهمان خدایی
 طعام آسمانی را سزایی^۷
 نی سخره آسمان پیروزه شوم
 نی شیفته شاهد ده روزه شوم
 در روزه چو روزی ده بی واسطه ای
 پس حلقه به گوش و بنده روزه شوم^۸
 ماه رمضان؛ فرصت مناسب و ارزشمندی برای گنده شدن از زمین و آسمانی گشتن است:

آسمانی شدن از خاک بُریدن می خواست
 بی سبب نیست که فواره فروریختنی است^۹
 در فراز پایانی شعر عقاب ترجمه منظوم پرویز خانلری؛ عقاب پس از دیدار دوباره با کلاغ و اظهار اینکه در ارتفاع پایین پرواز کردن و نجاست خواری برای طول عمر بیشتر را من نخواستم و ارزانی تو؛ به اوج آسمان پرواز می کند:

شهر شاه هوا، اوج گرفت
 زاغ را دیده بر او مانده شگفت
 سوی بالا شد و بالاتر شد
 راست با مهر فلک، همسر شد
 لحظه‌یی چند بر این لوح کبود
 نقطه‌یی بود و سپس هیچ نبود

تقوا نیز که در قرآن بالای دویست مورد به آن اشاره و توصیه شده است از منظری همین پرهیز از آلاینش‌ها است؛ اجتناب از آلاینش‌های محسوس و متعارف دنیوی و نهایتاً طهارت از هر چه غیر خدا.

ساقی حدیث سرو و گل و لاله می‌رود
 وین بحث با ثلاثه غسله می‌رود^{۱۰}
 برای اوج گرفتن باید از وابستگی‌های زمینی آزاد شد و این ماه؛ گاه و موسم رهایش است: «السَّلَامُ عَلَيْكَ مَا أَكْثَرَ عُنُقَاءَ اللَّهِ فِيكَ وَ مَا أَشْعَدَ مَنْ رَعَى حُرْمَتَهُ بِكَ»^{۱۱}
 همچون غریبان چمن بی‌پا روان گشته به فن

هم بسته پا هم گام زن عزم غریبستان کنیم
 جانی که رست از خاکدان نامش روان آمد روان

ما جان زانو بسته را هم منزل ایشان کنیم^{۱۲}
 در این ماه نه با «مائده‌های زمینی» که با «مأکول نور» پذیرایی صورت می‌گیرد.
 مائده عقلست نی نان و شوی
 نور عقلست ای پسر جان را غدی
 نیست غیر نور آدم را خورش
 از جز آن جان نیابد پرورش
 زین خورش‌ها اندک اندک باز بر
 کین غذای خربود نه آن حر
 تا غذای اصل را قابل شوی
 لقمه‌های نور را آکل شوی
 چون خوری یک بار از مأکول نور
 خاک ریزی بر سر نان و تنور^{۱۳}

و:

چون حیات عاشقان از مطبخ تن تیره بود
 پس مهیا کرد بهر مطبخ ایشان صیام^{۱۴}
 پیامبر اکرم ﷺ فرماید: «ثَلَاثَةٌ يُحِبُّهَا اللَّهُ: قِلَّةُ الْكَلَامِ، وَ قِلَّةُ الْمَنَامِ، وَ قِلَّةُ الطَّعَامِ. ثَلَاثَةٌ يَبْغِضُهَا اللَّهُ: كَثْرَةُ الْكَلَامِ، وَ كَثْرَةُ الْمَنَامِ، وَ كَثْرَةُ الطَّعَامِ»؛ (خداوند، سه چیز را دوست می‌دارد: کم‌گویی؛ کم‌خوابی؛ کم‌خوری و سه چیز را خداوند دشمن می‌دارد: پُرگویی، پُرخوابی، پُرخوری.^{۱۵}

آیت الله ملکی تبریزی در نامه‌ای خطاب به آیت‌الله غروی اصفهانی می‌نویسد: «باید انسان یک مقدار زیاده بر معمول تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبه حیوانیت کمتر، و روحانیت قوت بگیرد... انسان اولاً روز و شب زیاده از دو مرتبه غذا نخورد حتی تنقل مابین الغدائین نکند. ثانیاً هر وقت غذا می‌خورد باید مثلاً یک ساعت بعد